The boom in the construction and renovation of the tombs of the Sadat during the Seljuk era (1037-1194 AD); causes and consequences

Sayyed Hasan Hoseini[1]

Abstract

The era of Seljuk rule (1194-1037 AD) over Iran is considered one of the flourishing periods of Imami Shiism. During this period, we are witnessing the increasing construction of the tombs of the Sadat and the tendency of people from different religious sects to visit these blessed monuments. In this era, the Sadats, as one of the privileged social groups, received more attention from the people than in the past. The purpose of this research, relying on a descriptive-analytical method, is to answer the question: What factors led to the boom in the construction and renovation of the tombs of the Sadats? The supposed answer is that the privileged social status of the Sadats was the reason for the prosperity of the construction of Sadats tombs. Research findings also confirm this. The boom in the construction of monument on the tombs of the Sadats, in addition to being indebted to their privileged social status, was also due to the emergence of prominent Shiite figures who were active in the construction and renovation of the Sadats ' tombs during this era. In addition, the people's deep heartfelt belief in Sadat was another factor in paying attention to their tombs. The construction of numerous tombs for the Sadats improved their status in the society of that era. Although the excessive attention paid by Shiites to the construction of the monuments of the Sadats provided grounds for criticism from their opponents, this, in addition to strengthening the sanctity of the monuments of the Sadats, resulted in the cohesion and unity of the Shiites and turned these tombs into cultural poles for the propagation of Shiism.

Keywords: Tombs, Sadats, Seljuk, Iran, Shiism.

1. Assistant Professor, Department of History, Biography of the Ahlul Bayt (peace be upon them) and Genealogy, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

ازدهار بناء وترميم مقابر السادات في العصر السلجوقي (٤٢٩-٥٩٠هـ)؛ الأسباب والنتائج

سيّد حسن حسينى[١]

الخلاصة

كان العصر السلجوقي (٤٢٩-٥٩٠ هـ) في إيران من الفترات المزدهرة لبناء مراقد السادات، وميل الناس من مختلف المذاهب الدينية إلى زيارتها. في هذا العصر، حظي السادات، باعتبارهم من الفئات الاجتماعية المتميزة، باهتمام شعبي أكبر من ذي قبل. يهدف هذا البحث، بالاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي، إلى الإجابة على السؤال التالي: ما العوامل التي أدت إلى ازدهار بناء وإعادة بناء مراقد السادات؟ تشير نتائج البحث إلى أن ازدهار البناء على قبور آل السادات يعود، في المقام الأول، إلى مكانتهم الاجتماعية المرموقة. إضافةً إلى ذلك، كان ظهور شخصيات شيعية بارزة نشطت في بناء وإعادة بناء قبور آل السادات في تلك الحقبة، والعلاقات الودية بين حكام السلاجقة وآل السادات، وإيمان الناس الراسخ بهم هى من العوامل التى جذبت الانتباه إلى قبورهم. عزز بناء العديد من أضرحة السادات مكانتهم في مجتمع تلك الحقبة. ورغم أن الاهتمام المفرط ببناء أضرحة السادات في المناطق الشيعية أثار انتقادات المعارضين، إلا أن هذا، بالإضافة إلى تعزيز قدسية أضرحة السادات، كان من شأنه أن يكون مؤثرًا في تماسك المجتمع الشيعي ووحدته، وتحويل هذه الأضرحة إلى أقطاب ثقافية لنشر المذهب الشيعي.

الكلمات المفتاحية: مزارات، سادات، ايران، سلجوقى

١. أستاذ مساعد وعضو هيئة تدريس في قسم التاريخ وسيرة أهل البيت (ع) والأنساب في مؤسسة أستان قدس رضوي للأبحاث
hoseyny.darrud@gmail.com

رونق ساخت و بازسازی مزارات سادات در عهد سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰ق)؛ علل و پیامدها

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۳۰

سیّد حسن حسینی[۱]

چکیده

عهد حاکمیت سلجوقیان (۴۲۹ –۵۹۰ق) بر ایران یکی از دوره‌های شکوفایی ساخت و ساز مزارات سادات و گرایش مردم از فرق مختلف مذهبی برای زیارت این بقاع متبرکه است. در این عصر سادات به‌عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی ممتاز، بیش از گذشته مورد توجه مردم قرار گرفتند. هدف این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی، پاسخ به این پرسش است که چه عواملی سبب رونق ساخت و بازسازی مزارات سادات گردید؟ یافته‌های پژوهش بیانگر این است که رونق ساخت بقعه بر روی مقابر سادات، بیش از هرچیز مرهون جایگاه ممتاز اجتماعی آن‌ها در جامعه بود. علاوه‌براین، ظهور شخصیت‌های برجسته شیعه که در این عصر در امر ساخت و بازسازی مزارات سادات فعّال بودند، مناسبات دوستانه حکومت‌گران سلجوقی با سادات و اعتقاد قلبی عمیق مردم نسبت به سادات عوامل دیگر توجه به مزارات آن‌ها بود. احداث مزارات متعدّد سادات، سبب بهبود جایگاه سادات در جامعه آن عصر شد. هرچند توجه بیش از حد به ساخت بقاع سادات در مناطق شیعه‌نشین، اسباب انتقاد مخالفان را فراهم ساخت، ولی این امر علاوه بر تقویت حرمت بقعه‌های سادات، می‌توانست در انسجام و یکپارچگی جامعه شیعه و تبدیل این مزارات به قطب‌های فرهنگی برای تبلیغ آیین تشیّع مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: مزارات، سادات، ایران، سلجوقی.

مقدمه

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ، سیره اهل بیت (ع) و انساب بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی
hoseyny.darrud@gmail.com

موضوع زیارت در فرهنگ تشیّع، پیوند ناگسستنی با سادات و امامزادگان دارد. مردم ایران به جهت ثواب زیارت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۹۹: ۲۷۳) و برای بزرگداشت شخصیّت سادات، از قرن سوم هجری به بعد بر روی قبور آن‌ها بناهایی ساختند (قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۶-۶۱۶) و موقوفاتی نیز بر آن‌ها قرار دادند. مدفن سادات به‌عنوان زیارتگاه و مکانی برای انجام عبادت و برگزاری نماز و انجام مراسم مختلف مذهبی مورد توجه قرار گرفت.

توجّه به سادات و قبور آن‌ها برگرفته از توصیه‌های رسول خدا (ص) در مورد زیارت ائمه اطهار (ع)و اولاد آن‌ها و تعمیر بقاع مربوط به ایشان است. آن حضرت در این مورد به حضرت علی (ع) فرمودند: «ای علی خداوند قبر تو و فرزندان تو را خانه‌ای از خانه‌های بهشت و میدان‌گاهی از میدان‌گاهای آن قرار داده است ... هرکس بقاع شما را تعمیر کند، مثل این است که سلیمان بن داوود را درساخت بیت‌المقدس کمک کرده است» (مفید، بی‌تا: ۲۲۸). ایشان در حدیثی دیگر فرمودند: «هرکس مرا، یا یکی از ذریه مرا زیارت کند، من در روز قیامت او را از هول‌های قیامت نگه می‌دارم» (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۴۱). همچنین احادیثی از ائمه درباره زیارت بقاع برخی امامزادگان نقل شده است. حضرت رضا (ع) درباره زیارت قبر خواهرش فاطمه معصومه فرمود: «هر گاه کسی آن معصومه را زیارت کند، بهشت از برای او است» (ابن بابویه، ۱۳۷۳، ج۲: ۶۶۰).

زیارت بقاع متبرکه سادات، از همان ابتدای ساخت، مورد توجه شیعیان و برخی پیروان دیگر فرق اسلامی بود. هم‌زمان با روی کار آمدن آل بویه، با انتشار بیانیه مشهور خلیفه عباسی الراضی بالله (خلافت ۳۲۲ – ۳۲۹ق) در حمایت از شیعیان و زیارت بقاع متبرکه پیشوایان دین و خویشاوندان پیامبر (مسکویه، ۱۳۷۶، ج۵: ۴۲۵ - ۴۲۶)، بر رونق بقاع ائمه اطهار (ع) و سادات افزود. حاکمان آل بویه با توجه به این‌که مذهب تشیّع داشتند، به زیارت بقاع متبرکه مشرّف می‌شدند، در ساخت بقعه‌های سادات پیش‌قدم بودند. ساخت نخستین بنا بر روی مدفن علی بن حمزه بن موسی کاظم (ع)، در باب اصطخر شیراز، توسط عضدالدوله دیلمی (۳۲۸ - ۳۶۲ق) صورت گرفت (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۶۷ – ۳۶۸). وی دستور ساخت بقعه‌ای بر مدفن ابوالفضل العباس فرزند حضرت علی (ع) را نیز در کربلا صادر کرد (آل طعمه، ۱۴۱۶، ج۸۰: ۲۶۳).

روند ساخت بنا بر روی مدفن سادات، در عهد حاکمیت غزنویان و سلجوقیان نیز به‌مانند گذشته در مناطق مختلف ایران تداوم یافت. چنین به‌نظر می‌رسد در عهد سلجوقیان این امر شتاب بیشتری نسبت به گذشته نیز گرفته است. پژوهش پیش رو، علاوه بر این‌که از برخی بقاع مشهور سادات که در عهد سلجوقی وجود داشته و یا ساخته شده یاد می‌کند، به بررسی دلایل شتاب ساخت و بازسازی این بقاع در این دوره و پیامدهای آن می‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

در کتاب دایرةالمعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی) که توسط پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهیه شده است، به برخی از بقاع سادات در عهد سلجوقی اشاره شده است. در این اثر بیشتر جنبه‌های معماری و هنری بقاع سادات مد نظر بوده است. در مجموعه اطلس تاریخی سادات ایران تا پایان قرن نهم هجری، که توسط گروهی از پژوهشگران تاریخ در بنیاد پژوهش‌های

اسلامی آستان قدس رضوی درباره سادات ایران، تهیه شده است و دوازده مجلد آن مربوط به سادات مناطق مختلف از جمله اصفهان، خراسان، فارس، قم و ... از سال۱۳۹۷ به بعد منتشر شده است، اطلاعاتی درباره برخی از مزارات سادات در عهد سلجوقی ارائه شده است. در مقاله «مقایسه جایگاه مشاهد ائمه و امامزادگان در دوره‌های آل بویه تا سلجوقیان»، اثر دکتر علی یحیایی بیشتر تمرکز بر دوره آل بویه و مشاهد ائمه اطهار (ع) است. نویسنده بر این امر تأکید دارد که با توجه به جایگاه سادات در جامعه، هدف حکومت‌های آل بویه و سلجوقیان از توجه به سادات و مزارات ایشان، همراه ساختن و جذب سادات و استفاده از موقعیت آن‌ها برای پیشبرد اهداف خود بوده است. با وجود این تحقیقات، تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون مسئله رونق ساخت مزارات سادات در عهد سلجوقی انجام نشده است.

۲. روش پژوهش و اهمیت موضوع

پژوهش حاضر بر آن است با روش توصیفی- تحلیلی علل رونق ساخت و ساز مراقد سادات و زیارت آن‌ها در عهد سلجوقی (۴۲۹ - ۵۹۰ق) و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار دهد و به این پرسش پاسخ خواهد داد که رونق ساخت و بازسازی مراقد سادات در عهد سلجوقی مرهون چه عللی بود و پیامدهای این رونق چه بود؟

از آنجا که بقاع متبرکه سادات در طول تاریخ ایران بعد از اسلام به‌عنوان مراکز مهم فرهنگی و مذهبی نقش غیرقابل انکاری در باروری عقاید ساکنان پیرامون آن داشتند و سادات نیز به‌عنوان یک گروه شاخص جمعیتّی در عهد سلجوقی نقشی اساسی در شئون مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهرها و آبادی‌های محل زندگی خود بر عهده گرفتند، لذا پرداختن به موضوع ساخت و ساز مقابر ایشان در این عهد از اهمیّت ویژه‌ای در حوزهٔ تاریخ اسلام و سادات پژوهی برخوردار است.

۳. مزارات سادات در عهد سلجوقی

در عصر سلجوقی، در مناطق مختلف ایران، بقعه‌های متعدّدی مربوط به سادات مورد زیارت قرار می‌گرفت. نکته قابل ذکر این‌که در این عصر، ساخت و همچنین زیارت بقعه‌های سادات منحصر به مناطق شیعه‌نشین نبود، بلکه اهل سنت نیز به مقابر سادات توجه نشان می‌دادند و به زیارت آن می‌رفتند. صاحب کتاب نقض در این مورد چنین نوشته است: «در بیشتر بقاع که تربت‌های سادات است، خواب سنیان دیده‌اند؛ چنانکه به بارکرسب و ساوه و بناهق و باطان ری و به زرقا و فارس و بصره و خوزستان» (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۳۵).

بقعه‌های سادات در این دوره به‌عنوان زیارتگاه و مکانی برای انجام عبادت و برگزاری نماز و انجام مراسم مختلف مذهبی مورد توجه قرار گرفت. در بقاع علویان مراسم مختلفی از جمله سوگواری برای شخصیّت‌های مشهور برگزار می‌شد. از جمله در بقاع سادات در منطقه مازندران که در عصر سلجوقی در قلمرو باوندیان شیعی‌مذهب قرار داشتند، پس از مرگ شهریار بن قارن باوندی (حکومت ۴۶۶ - ۵۰۴ق)، مردم به اجرای مراسم سوگواری پرداختند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰، ذیل: ۴۰).

در جدول ذیل نام تعدادی از بقعه‌های سادات که در قلمرو سلجوقیان وجود داشتند، همراه با ذکر

نسب و زمان ساخت آن ها آمده است.

نام	نسب	مکان	زمان ساخت	منبع
ابراهیم	حسنی بطحایی	اصفهان	سلجوقی	ابن طباطبا، ۱۳۸۸: ۲۱
ابراهیم النمر	حسنی	کوفه	سلجوقی	بیهقی، ۱۳۸۵، ج۲: ۵۴۵
ابو عبدالله ابیض	حسینی	ری	سلجوقی	رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۴۸
احمد	حسینی	اصفهان	۵۳۷ ق	همایی، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۷
احمد	حسینی	قم	۳۷۱ ق	قمی، ۱۳۸۵: ۶۱۶
جعفر (ابوجعفر)	حسینی	یزد	آل بویه	جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۲
جعفر	علوی	بجه (بازیچه) اقلید	سلجوقی	ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۵: ۴۵۴
حسن	حسنی	سبزوار	سلجوقی	بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸۶
حسن (ناصر اطروش)	حسینی	آمل	علویان	ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۹۷
حسین	حسینی	خسرو جرد سبزوار	سلجوقی	بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸۵
حسین	جعفری	قزوین	سلجوقی	رافعی قزوینی، ۱۴۰۸، ج۱: ۵۶
حسین بن موسی	موسوی	طبس	آل بویه	ابن طباطبا، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۹
حمزه	موسوی	ری	قرن سوم	رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۴۸
عبد العظیم	حسنی	ری	قرن سو.م	رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۴۸
عبد الله بن معاویه	جعفری	هرات	قرن سوم	ابن عنبه، ۱۴۲۵: ۴۰
عبد الله موسی و فضل و سلیمان	موسوی	آوه	سلجوقی	رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۵
علی بن حمزه	موسوی	شیراز	آل بویه	زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۰۱

علی بن محمد باقر	حسینی	مشهد اردهال کاشان	آل بویه	رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۴ ؛ بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۲۴
فاطمه معصومه	موسوی	قم	قرن سوم	قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۶
قاسم	موسوی	شوشی عراق	سلجوقی	ابن عنبه، ۱۴۲۵: ۲۸۲
کرار	ــــــــــ	بوزان اصفهان	۵۲۸	پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶: ۲۰۳
محمد	حسینی	بسطام	سلجوقی	هروی، ۱۴۲۳: ۸۳
محمد نورانی	ــــــــــ	کازرون	سلجوقی	حاتمی، ۱۳۸۰: ۸۶
محمد بن زید	حسنی	گنبد کاووس	علویان	عتبی، ۱۳۳۴: ۱۶۶؛ مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۹۴
محمد دیباج	حسینی	گنبد کاووس	آل بویه	سهمی، ۱۴۰۷: ۳۶۰
محمدٔ محروق	حسینی	نیشابور	قرن سوم	بیهقی، ۱۳۸۵، ج۲: ۴۴۲
ناصر	حسینی	جشم سبزوار	سلجوقی	بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸۵
نور الدین	علوی	اردکان فارس	قرن پنجم	امیری، ۱۳۹۱، ج۲: ۸۶۶
هفتاد و دو تن	حسینی	ساروق اراک	۵۸۷ ق	مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۹۵؛ شراهی، ۱۳۹۲، ج۲: ۹۲۹
یحیی بن زید	حسینی	ارغوی افغانستان	قرن پنجم	حسینی علوی، ۱۳۷۶: ۵۰

۴. قبرستان ویژه سادات

در عهد سلجوقی در برخی شهرها سادات برای خود گورستان جداگانه‌ای داشتند. گورستان علویان یا سادات نیشابور که حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۲ق) از آن یاد کرده است، به سادات آل زباره تعلّق داشت و افرادی ازجمله محمد بن احمد بن محمد زباره و فرزندش محمد بن محمد، مشهور به زباره و نقیب سادات نیشابور در آن مدفون بودند. این مقبره در واقع متعلّق به عبدالله بن طاهر بود (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۲۳) و سادات زباره که خویشاوندان آن‌ها بودند، در این مکان مدفون شدند.

در هرات سادات مقابر خانوادگی جداگانه‌ای داشتند. بیهقی از شهادت یکی از سادات به‌نام سیدِ اجل علاءالدین علی، نقیب هرات در سال ۵۵۳ق توسط امیر رهس یاد نموده، می‌نویسد: مردم جسد او را در قبرستان پدرانش دفن نمودند (بیهقی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۲۳).

در سمرقند نیز سادات دارای قبرستان جداگانه‌ای بودند. ابوالقاسم علی بن عقیل علوی (۴۴۸ – ۵۲۶ق)، در «مشهد سادات» در کوچه مج سمرقند به خاک سپرده شد (نسفی، ۱۳۷۸: ۵۶۱). علاوه براین، در این شهر سادات در مقبره حاکمان نیز به خاک سپرده می‌شدند. چنانکه ابوبکر زید بن حسن[۱] جعفری طالبی (۴۳۵ – ۴۹۵ق)، که فردی عالم و زاهد بود، در مقبره مدینه، جنب مقبره احمدخان (حاکم قراخانی) دفن شد (نسفی، ۱۳۷۸:۱۸۱-۱۸۲). آنچه مشخص است این‌که با استقرار سادات در شهرهای مختلف، آن‌ها برای خود قبرستان جداگانه‌ای ترتیب دادند که به این قشر اجتماعی تعلّق داشت و این امر یکی دیگر از نشانه‌های تمایز طبقه سادات از دیگر ساکنان شهرها بود. ممکن است قدمت تاریخی برخی از این مقبره‌ها و قبرستان‌های سادات به سده‌های سوم و چهارم هجری بازگردد. برخی از همین مقبره‌ها در قرون بعد به‌عنوان امامزاده شناخته شدند و مورد زیارت شیعیان و پیروان دیگر فرق اسلامی قرار گرفتند. چهل اختران قم نمونه‌ای از این بقعه‌ها است. علویان همدان نیز که از سادات حسنی بودند و ریاست این شهر را در عهد سلجوقیان بر عهده داشتند، دارای قبرستان جداگانه‌ای بودند. راوندی در ضمن شرح کشته شدن علاءالدین عربشاه (متوفای ۵۸۴ق) توسط طغرل سوم سلجوقی از دفن وی در تربت اسلاف سادات (راوندی، ۱۳۶۴:۳۵۲) یاد می‌کند که این تربت تحت عنوان «گنبد علویان» هنوز موجود است.

۵ . دفن در جوار مقابر سادات

دفن اموات در جوار مقابر امامان معصوم و سادات برجسته، یکی از سنّت‌های شیعیان بوده و هست. در دوره آل بویه (۳۲۱ – ۴۴۷ق) حاکمان و شاهزادگان بویهی، بنا به وصیت خودشان در جوار حرم ائمه و امامزادگان دفن می‌شدند. سال ۳۸۸ق در شیراز ابونصر؛ فرزند عزالدوله بختیار بویهی (حک ۳۵۶ – ۳۶۷ق)، کشته شد و در جوار بقعه علی بن حمزه بن امام کاظم (ع) در شیراز، دفن شد (حسینی فسائی، ۱۳۷۸،ج ۱: ۲۲۵ – ۲۲۶). شاهاندخت؛ دختر عضدالدوله نیز در همین مکان مدفون گردید (ابن عنبه، ۱۴۲۵: ۲۲۰). پس از آن، شخصیت‌های برجسته‌ای از میان سادات طباطبایی شیراز در قرن پنجم و ششم هجری در این مقبره دفن شدند. ازجمله ابوعبدالله حسین القاضی بن ابیجعفر محمد عزیزی که قاضی شیراز بود، فرزندش ابوالمعالی جعفر که نقیب شیراز بود و نواده‌اش قوام‌الدین اسماعیل نیز که نقیب بود، در آن‌جا مدفون شدند (حسینی مدنی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۶۹).

در عهد سلجوقی، در بقعه سیدحسین بن محمد بن حسین بن عیسی بن زید بن امام سجاد، در خسروجرد سبزوار (بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸۵)، افرادی از سادات آل زباره دفن شدند. از جمله آن‌ها سیدحسین بن علی بن محمد، برادرزاده‌اش سیدعزیز بن هبةالله بن علی و عزالدین زید (۴۵۹ – ۵۲۷ق) فرزند علی بن زید بودند (بیهقی، ۱۳۱۷: ۵۷ و ۲۸۵). در بقعه محمد دیباج (م۲۰۳ق) فرزند امام صادق (ع) در جرجان (گنبد کاووس) که به گور سرخ مشهور بود، طبق گزارشی مربوط به حدود سال ۶۰۰ق چهل تن از علویان مدفون بودند (هروی، ۱۴۲۳: ۸۳).

دفن در جوار امامزادگان منحصر به سادات نبود و برخی از علما و یا شخصیت‌های مذهبی و سیاسی

---

۱. . زید بن حسن بن جعفر بن ید بن اسماعیل بن عبدالله بن حسین بن محمد بن جعفر بن قاسم بن اسحاق بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابیطالب (ع)

نیز در آن‌جا دفن می‌شدند. ازجمله ابوالقاسم عبدویه که اصولی‌مذهب و شیعه بود، به دستور یکی از سلاطین سلجوقی در مشهد عبدالعظیم حسنی دفن شد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). عبدالکریم قزوینی (۵۵۷ – ۶۲۳ق) درباره مدفونان در جوار بقعه امامزاده حسین ثائر در قزوین می‌نویسد: «و فیه قبر جماعة من العلوية و الشيعة». این مطلب نشان می‌دهد که در قرون پنجم و ششم شیعیان و سادات اعتقاد خاصی به دفن در جوار مقابر سادات داشتند (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۶).

۶. عوامل رونق ساخت مزارات سادات

۱ـ۶. جایگاه اجتماعی ممتاز سادات

سادات یکی از گروه‌های اجتماعی هستند که از زمان مهاجرت به ایران مورد احترام جامعه ایران قرار داشتند. در عهد سامانیان (۲۸۷ - ۳۸۹ق) سادات به‌عنوان یکی از طبقات فرادست مورد احترام مردم و حاکمان سامانی قرار گرفتند و گاه از آن‌ها اقطاع و زمین دریافت کردند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۴۶). مقدسی در اواخر قرن چهارم، از احترام خاص مردم خراسان نسبت به علویان خبر می‌دهد (مقدسی، ۱۳۶۱،ج ۲: ۴۷۳).

موقعیت ممتاز اجتماعی که سادات در عهد حکومت‌های آل بویه و غزنویان به دست آورده بودند، در دوره حاکمیت سلجوقیان نیز حفظ کردند. آن‌ها در شهرهای مختلف از این موقعیت برخوردار بودند و تفاوت چندانی در برخورد با آن‌ها بین شهرهای شیعه‌نشین و مناطقی که غلبه با اهل سنت بود، وجود نداشت (جعفریان، ۱۳۹۳: ۵۴۸). رازی قزوینی (زنده تا سال ۵۶۰ ق) در قرن ششم، درباره عظمت و جایگاه بالای سادات شهر اصفهان که در آن زمان از مراکز اصلی اهل سنت بود، سخن به میان آورده است (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۴۰). خواجه نظام الملک (متوفای ۴۸۵ق) در سیاست‌نامه در صحبت از افرادی که به دربار سلطان بار می‌یافتند، سادات را در کنار سه گروه دیگر، یعنی صاحب طرفان (مرزبان‌ها)، امرا و ائمه قرار داده و از جایگاه و مقام ویژه آن‌ها سخن می‌گوید (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۶۴: ۱۵۹).

طی دوره حاکمیّت سلجوقیان، عوامل مختلفی در تثبیت جایگاه اجتماعی ممتاز سادات دخیل بودند. مهم‌ترین این عوامل، انتساب آن‌ها به پیامبر (ص) بود (ابن‌منور، ۱۳۶۶: ۲۱۶؛ سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸: ۱۴۵؛ بغدادی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). سوابق و فعالیت‌های علمی سادات (بغدادی، ۱۳۸۵: ۱۰۱؛ ۵۹ - ۶۳ :Bernheimer، ۲۰۰۵)، برخورداری از اخلاق نیکو و منش پسندیده (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳: ۲۷۰؛ سمعانی، ۱۴۱۸، ج۲: ۲۱۶؛ سمعانی، ۱۴۱۷: ۲۲۰). و همچنین تأکید آموزه‌های دینی بر احترام گذاردن به این قشر (طوسی، ۱۳۸۵: ۳۵۵، ۳۶۶؛ ماوردی، ۱۳۹۱: ۲۰۰)، در کنار فعّالیت سازمان نقابت، که در ظاهر با هدف حفظ جایگاه اجتماعی والای سادات در جامعه ایجاد شده بود (ماوردی، ۱۴۲۰: ۱۷۱)، از دیگر عوامل تثبیت جایگاه ممتاز اجتماعی آن‌ها به‌شمار می‌رفت.

جایگاه ممتاز سادات در جامعه، سبب توجه و احترام بیشتر مردم به آن‌ها می‌شد و این امر در ساخت زیارتگاه بر روی مدفن سادات برجسته تأثیر زیادی داشت. علاوه براین، در آبادانی و بازسازی مزارات موجود سادات نیز اثربخش بود.

۲ـ۶. مناسبات دوستانه حکومت‌گران با سادات

با توجه به جایگاه ممتاز سادات، حاکمان سلجوقی سعی نمودند مناسبات دوستانه‌ای با آن‌ها برقرار نمایند. در این راستا پیوندهای خانوادگی زیادی با سادات برقرار کردند (مروزی ازوارقانی، ۱۳۸۵: ۱۷۸؛ حسینی ۱۳۹۷: ۷۵). علاوه بر حاکمان، کارگزاران حکومتی (فخر رازی، ۱۴۰۹: ۱۱۸) و امرای محلی (بیهقی، ۱۳۱۷: ۵۷) نیز به این امر تمایل نشان دادند. این پیوندها علاوه بر این‌که برای حکومت‌گران سلجوقی موجب کسب وجهه اجتماعی و نوعی مشروعیت بود، سبب ارتقای بیشتر جایگاه سادات در جامعه می‌شد.

در بین حکمرانان سلجوقی، سلطان سنجر (حک ۵۱۱ - ۵۵۲ق) احترام ویژه‌ای نسبت به سادات مبذول می‌داشت. در منشوری که برای ابوالفتح بن ابی بکر بن قماج، شحنه بلخ نوشت، او را به احترام نهادن به سادات سفارش کرد. در قسمتی از این نامه آمده: «... و بر احترام و اکرام سادات و مراعات طبقهای از طبقات بر مقادیر درجات ایشان از فرایض داند و سخن ایشان در مصالح به واجب اصغا کند و بر کار گیرد و در استماع ظلامات که به وی بردارند در هر حالت که باشد، اهتزاز تمام نماید» (منتجبالدین بدیع، ۱۳۸۴: ۷۸). ازجمله ساداتی که نزد سنجر مقام و جایگاه والایی برخوردار بود، مجدالدین علی بن جعفر موسوی؛ نقیب و رئیس ترمذ بود. وی به قدری نزد سلطان سنجر محترم بود که او را برادر می‌خواند و کنار خود بر تخت می‌نشاند که این امر حسد یکی از امرای بزرگ سنجر بهنام امیرقماج را در پی داشت (شهرستانی، ۱۳۳۵: ۹). ابوالقاسم علی بن زید فریومدی (م۵۲۲ق)، از سادات حسینی آل زباره نیز چنین بود (بیهقی، ۱۳۸۵، ج۲: ۵۰۴) و روابط نزدیکی با سنجر داشت مناسبات دوستانه بین حکومت‌گران سلجوقی و سادات باعث تقویت موقعیت سادات در جامعه می‌شد و این امر بر روند ساخت مزارات سادات تأثیر داشت و به نوعی این اماکن را که اغلب توسط سادات اداره می‌شد، از تعرض مخالفان مصون می‌داشت.

۲ـ۷. ظهور شخصیت‌های برجسته شیعی

در دوره حاکمیت سلجوقیان در ایران، به سبب ظهور برخی از شخصیت‌های برجسته شیعی، ساخت بقعه بر روی مقابر سادات و زیارت آن رونق گرفت. موضوع ساخت بنا بر فراز مقابر سادات که از قرن سوم هجری در ایران آغاز شده بود، در این دوره شتاب بیشتری گرفت. در عهد آل بویه در قم صلحای این شهر سال ۳۷۱ق بنایی بر روی مقبره ابوالحسین احمد بن قاسم بن احمد الشعرانی بن علی عریضی بن امام صادق (ع) ساختند (قمی، ۱۳۸۵: ۶۱۴ – ۶۱۶). صاحب بن عباد (۳۲۶- ۳۸۵ق) در تاریخ ۳۷۴ق بر روی تربت محمد دیباج فرزند امام صادق (ع) در جرجان بنایی احداث نمود (قمی، ۱۳۸۵: ۶۱۰). در عهد سلجوقیان نیز افرادی در این راه پیشقدم بودند. مجدالملک اسعد بن محمد براوستانی قمی (۴۴۱ – ۴۹۲ق)؛ از وزرای برجسته عهد سلجوقی، که فردی خیّر و از حامیان بزرگ سادات در عصر سلجوقی به‌شمار میرفت، در بزرگداشت سادات و تعمیر مشاهد آن‌ها کوشش فراوانی صورت داد. وی به افراد مستمند و به‌ویژه علویان صدقه زیادی میداد (ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج۱۰: ۲۹۰). ازجمله کارهای او، علاوه بر ساخت بقاع امامان معصوم (ع) در بقیع و کربلا و کاظمین، ساخت بقعه سیدعبدالعظیم حسنی در شهر ری (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۳۶) و مزار سادات در خسروجرد

سبزوار بود (بیهقی، ۱۳۱۷: ۲۸۵).
از شخصیت‌های دیگری که در این زمینه فعالیت داشتند، مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل راوندی (م۵۳۵ق)؛ برادر مختص‌الملوک ابونصر؛ وزیر سلطان سنجر سلجوقی، بود که در اوایل قرن ششم هجری عمران و آبادانی بارگاه علی بن محمد باقر را در مشهد اردهال کاشان بر عهده گرفت (راوندی، ۱۳۳۴: ۱۲۵- ۱۲۷).
حاکمان محلی شیعی نیز در تهیه مخارج ساخت بقعه‌ها در این دوره همکاری لازم را مبذول میداشتند. حسام‌الدوله اردشیر باوندی (حک ۵۶۷ – ۶۰۲ق) برای مخارج بقعه‌های سادات، ازجمله عبدالعظیم حسنی، دویست دینار و برای مشهد فرزندان امام حسن (ع) سیصد دینار داد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۲۰).

۷-۳. افراط در محبت به سادات

در عهد سلجوقیان، در برخی مناطق، مردم به وجود مزار یکی از آل محمد در آبادی خود افتخار و مباهات می‌کردند و در این مورد در پاره‌ای مواقع راه افراط در پیش می‌گرفتند و برای وجود نشانه یا بارگاهی از سادات در محل سکونت خود حاضر بودند به هر اقدامی مبادرت کنند. ابن حمدون (متوفای ۵۶۲ق) می‌نویسد: یکی از علویان در حالی‌که سفر می‌کرد، در یکی از روستاهای خراسان اتراق کرد. اهل روستا که شیعه بودند، آن علوی را مورد اکرام قرار دادند. زمانی‌که شب فرا رسید، مردی نزد وی آمد و به او گفت اهل روستا تصمیم به قتل او دارند و گفته‌اند: «هر سرزمین بزرگی در آن، مشهدی از آل محمد (ع) قرار دارد و ما مشهدی نداریم، این علوی را به قتل می‌رسانیم و برای وی مشهدی بنا می‌کنیم و قبه‌ای بر روی آن قرار می‌دهیم. این مزار برای ما مایه افتخار و مباهات خواهد بود». آن علوی با شنیدن این مطلب، بلافاصله شب‌هنگام از آن روستا متواری شد (ابن حمدون، ۱۹۹۶،ج۳: ۲۹۲). این حکایت محبّت افراطی اهل خراسان نسبت به سادات را نشان می‌دهد و گویای حرمت و عظمت بسیار علویان نزد خراسانیان در این دوره است (میرحسینی، ۱۳۹۵: ۵۹).
یکی از انتقاداتی که توسط دشمنان شیعیان در همان دوره به آن‌ها وارد می‌شد، خوابنما شدن مزار علویان و ساخت و تزئین بقاع آن‌ها بود (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۳۳). البته این امر منحصر به شیعیان و مناطق شیعه‌نشین نبود و در مناطق مختلف ازجمله ساوه، فارس و خوزستان (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۶۳۵) که تشیّع امامی در آن پررنگ نبود، نیز وجود داشت.
شواهد تاریخی حاکی از آن است که در پاره‌ای موارد افراد برای ساخت مزار یک علوی به دروغ و فریبکاری نیز متوسل می‌شدند. از جمله در ربیع‌الاخر سال ۵۳۵ق فردی که در ظاهر از زهّاد و عرفا بود، در روستای سلطان از توابع بغداد، جسد کودکی را از قبر بیرون آورد و در مکان دیگری به خاک سپرد و سپس به مردم گفت که عمر بن خطاب و علی بن ابیطالب (ع) را در خواب دیده و آندو اشاره کرده‌اند که در این مکان یکی از فرزندان امیرالمومنین علی (ع) دفن است. دولت‌مردان و اهالی بغداد در مکان قبر جمع شدند و برخی خاک آن‌جا را به‌عنوان تبرک برمی‌داشتند. پس از مدتی مشخص شد آن فرد اینکار را برای فریب مردم انجام داده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج۱۸: ۸).

۷. پیامدهای اجتماعی رونق ساخت مقابر سادات

۷ـ۱. انسجام جامعه شیعه

در مناطق شیعه‌نشین، وجود بقعه یکی از سادات در یک محل، شیعیان را بر گرد آن جمع می‌کرد. این مسئله به‌ویژه زمانی‌که فرد مدفون به دست دشمن کشته می‌شد و یا به لحاظ علمی و معنوی از موقعیّت بالایی برخوردار بود، اهمیّت بیشتری می‌یافت (جعفریان، ۱۳۹۳: ۴۰۷). با توجه به این‌که تولیت اغلب این بقاع بر عهده سادات شیعه بود و مراسم مختلف آیین تشیع از قبیل مراسم نیایش و دعا و عزاداری برای ائمه معصومین (ع)، به ویژه امام حسین (ع) در این مزارات برگزار می‌شد، این امر می‌توانست در تبلیغ بیشتر آیین تشیّع و ایجاد انسجام در بین جامعه عهد سلجوقی تأثیرگذار باشد. توجه و افتخار به بقعه‌های سادات به اشعار شاعران شیعی مذهب عهد سلجوقی هم راه یافت. اشعار زیر توسط قوامی رازی از شعرای عصر سلجوقی درباره امامزاده‌ای که در محله زعفرانجای، در ری مدفون بوده و به شیعیان اختصاص داشته، سروده شده است:

میر امامزاده که چون او نیافرید
تا از عدم خدای همی بنده آورد
از شوم قتل آن تن بی سر بدیع
گر جویبار سرو سرافکنده آورد
دل مرده بود که ناله ز درد اوی
ای طرفه مرده که خبر زنده آورد
مرد آن بود که روز بلا پیش دوستان
بر درد دوست دل به غم آکنده آورد
بنگر چه صعب درد بود قتل درد اوی
کان تیره شب ز روز درفشنده آورد
آرد به زعفرانجا هرساله گریه‌ها
آن زعفران که خاصیتش خنده آورد

(قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۶)

۷ـ۲. اعتلای جایگاه سادات

توجه مردم به سادات و مزارات آن‌ها در عهد حاکمیت سلجوقیان، سبب رشد چشم‌گیر جایگاه این گروه در بین مردم از فرق مختلف مذهبی گردید و علاوه براین، موجبات رونق مشاهد امامزادگان و ائمه در این دوره و ادوار پس از آن را فراهم ساخت (یحیایی، ۱۳۹۳: ۳۸۱). تداوم این امر، افزایش محبّت مردم نسبت به اهل بیت (ع) و خاندان پیامبر و به تبع آن سادات ساکن در مناطق مختلف ایران را در پی داشت و در درازمدت شرایط را برای پذیرش آیین تشیّع در جامعه ایران هموارتر ساخت.

۷-۳. رونق مباحث نسب‌شناسی

با افزایش تعداد بقعه‌های سادات در نقاط مختلف در قرن پنجم و ششم هجری، شناسایی نسب صاحبان این مزارات یکی از موضوعات مورد توجه مردم محل و نسب‌شناسان شد. در پاره‌ای موارد درباره مدفن برخی سادات اختلاف نظر بین نسب‌شناسان و مردم محل به‌وجود آمد. به‌عنوان نمونه، نسب‌شناسان درباره مدفن حسین بن موسی کاظم (ع) در طبس نظر متفاوتی با مردم محل داشتند. گروهی از سادات موسوی طبس که خود را از اولاد حسین بن موسی (ع) می‌دانستند، معتقد بودند وی مقیم طبس بوده، آن‌جا از دنیا رفته و مدفنش در آن شهر است. آن‌ها نامه‌ای به ابوعبدالله حسین بن محمد طباطبا (متوفای ۴۴۹ق)؛ نسب‌شناس ساکن بغداد در این مورد نوشتند، ولی او پاسخی به آن‌ها نداد. در همین زمان شیخ‌الشرف ابوحرب محمد دینوری (متوفای ۴۸۰ق) حسین بن موسی را ساکن بغداد می‌دانست و در نسب سادات موسوی طبس تشکیک می‌کرد. ابن طباطبا ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر (زنده ۴۷۹ق) نسب‌شناس اصفهانی نیز تنها سخن نسب‌شناسان پیش از خود را ذکر می‌کند و در این مورد اظهار نظر قطعی نمی‌نماید (ابن طباطبا، ۱۳۸۸: ۲۱۸ - ۲۱۹). فخر رازی (۵۴۳ - ۶۰۴) نیز سخن ابن طباطبا را درباره بقعه حسین بن موسی تکرار نموده و نظر قطعی خود را نمی‌گوید (فخر رازی ، ۱۴۰۹: ۹۹).

در همین دوره سؤالاتی بین نسب‌شناسان درباره نسب برخی صاحبان بقعه‌های سادات رد و بدل میشد. شیخ رضی الدین حسن بن قتاده حسنی رسی که نسب‌شناس بود، از عبدالحمید بن فخّار بن معد موسوی (متوفای ۶۱۹)؛ نسب‌شناس و نقیب نجف و کوفه، (کمونه حسینی، ۱۳۹۲: ۳۳۳ - ۳۳۴) درباره نسب امامزاده قاسم مدفون در شوشی از بلاد بابل عراق سؤال نمود. او عنوان نمود که از پدرش فخّار درباره نسب صاحب این مزار سؤال کرده و پدرش اطلاعی در این مورد نداشته است. وی نیز اظهار بی اطلاعی می‌نماید (ابن عنبه، ۱۴۲۵: ۲۸۲).

۷-۴. تقویت حرمت بقعه‌های سادات

با افزایش تعداد بقعه‌های سادات در عصر سلجوقی و با توجه به جایگاه مقدسی که این اماکن نزد مردم داشت، حرمت این مکان‌ها نزد جامعه بیش از گذشته فزونی یافت. بقعه‌های سادات علاوه بر این‌که ملجأ و پناهگاهی برای رسیدن به آرامش و معنویت بود، از دیرباز حکم مکان امن در برابر تهاجم اقوام مختلف به یک سرزمین را داشت و حرمتی شبیه مسجد را پیدا کرده بود. در دوره حاکمیت سلجوقیان سعی بر آن بود تا حرمت این مکان حفظ گردد. سیدفضل الله راوندی (متوفای ۵۷۰ق) زمانی‌که از حمله سپاه «سلجوق بن محمد بن ملکشاه سلجوقی» به منطقه کاشان و راوند خبر می‌دهد، از عدم تعرض آن‌ها به بقعه سلطان علی در مشهد اردهال و جلالت شأن صاحب مزار نزد مردم و سپاهیان سلجوقی سخن می‌گوید (راوندی، ۱۳۳۴: ۸۰).

۷-۵. افزایش موقوفات بقاع سادات

وقف یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که در تاریخ اسلام، از عهد پیامبر اکرم (ص) آغاز شد. این امر طی قرون پنجم و ششم گسترش چشم‌گیری یافت و حاکمان سلجوقی ترک‌تبار و دیوانیان آن‌ها

نیز از آن حمایت کردند. با ساخت مزارات سادات، وسایل و اشیاء مختلف، قرآن، زمین، املاک و مستغلاتی برای اداره این اماکن بر آن‌ها وقف شد. این امر سبب شد تا ضمن حفظ اصل موقوفات، عواید و درآمد آن صرف امور مختلف بقعه از قبیل ایجاد امکانات رفاهی و تجاری در اطراف بقعه، تعمیر، بازسازی و گسترش بنای آن شود و مراسم و گردهم‌آیی‌های مختلفی در آن مکان برگزار گردد. در دوره حاکمیت سلجوقیان نیز چنین اموری درباره بقاع سادات جاری بود. مجدالملک اسعد بن محمد براوستانی قمی (۴۴۱ – ۴۹۲ق)، علاوه بر ساخت مزارات سادات، اوقافی بر آن‌ها قرار می‌داد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). بقعه علی بن محمد باقر نیز در مشهد اردهال دارای موقوفاتی بود (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱۴) و مجدالدین ابوالقاسم عبیدالله بن فضل راوندی در جوار آن بقعه، حمام، کاروان‌سرا و بوستانی زیبا ایجاد نمود و بر آن وقف کرد (راوندی، ۱۳۳۴: ۱۲۵ - ۱۲۷). در سال ۵۹۴ق چهار مجلد مُصحف بر آستانه حضرت معصومه در قم وقف شد که یکی از سادات رضوی به‌نام محمد بن علی بن محمد بن فادشاه بر جریان وقف شهادت داده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۵،ج ۱: ۱۲۸)

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مهم اجتماعی عهد سلجوقیان، روند رو به رشد تعداد مزارات سادات است. اگرچه اغلب این مزارات در مناطق شیعه‌نشین قرار داشتند، ولی در سایر مناطق که اکثریت با اهل سنت بود، نیز این مزارات وجود داشت. در برخی از شهرها سادات دارای مقابر خانوادگی بودند که اغلب اعضای خاندان آن‌ها و یا برخی از مشاهیر سیاسی و مذهبی نیز در آن‌جا مدفون می‌شدند. جایگاه ممتاز سادات در جامعه، سبب توجه و احترام بیشتر مردم به آن‌ها می‌شد و این امر در ساخت زیارتگاه بر روی مدفن سادات برجسته تأثیر زیادی داشت. ظهور شخصیت‌های برجسته شیعی از جمله وزرا و حاکمان محلی نیز در رونق ساخت مزارات سادات مؤثر بود. علاوه براین، اعتقادات مردم و محبت افراطی آن‌ها نسبت به سادات و تفاخر به وجود مزار یکی از سادات در محل سکونت آن‌ها، از عوامل رونق این ساخت و سازها بود. رونق گرفتن ساخت بقعه بر روی مقابر سادات و زیارت آن باعث توجه بیشتر به سادات و اعتلای بیش از پیش جایگاه آن‌ها در جامعه آن عصر شد. هرچند توجه بیش از حد به ساخت بقاع سادات، در مناطق شیعه‌نشین، اسباب انتقاد مخالفان آن‌ها را فراهم ساخت و در مواردی در نسب صاحبان برخی از مزارات تشکیک شد، ولی این امر تا حدودی در انسجام و یکپارچگی جامعه شیعیان در این مناطق و تبدیل این مزارات به قطب‌های فرهنگی تشیّع اثرگذار بود. علاوه براین، تفکّر حاکم بر جامعه عصر سلجوقی، حرمت نهادن به بقاع سادات را افزون نمود و بر موقوفات این مزارات افزود.

کتاب‌نامه

ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۶ق). ***الکامل فی التاریخ***، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر - دار بیروت للطباعة والنشر.

ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۲۰ش). ***تاریخ طبرستان***، تصحیح عباس اقبال، بهاهتمام محمد رمضانی، تهران: کتابخانه خاور.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ‌صدوق) (۱۳۷۳ش). ***عیون اخبار الرضا***، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.

ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۲ق). ***المنتظم في تاریخ الامم والملوک***، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیّة.

ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶م). ***التذکرة الحمدونیة***، تحقیق احسان عبّاس و بکر عبّاس، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر.

ابن‌طباطبا، ابی‌اسماعیل ابراهیم بن ناصر (۱۳۸۸ق). ***منتقلة الطالبیة***، تحقیق سیدمحمدمهدی سیدحسن خرسان، نجف: مطبعة الحیدریة.

ابن عنبه، جمالالدین احمد بن علی (۱۴۲۵ق). عمدة الطالب فی انساب آل ابیطالب، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۴۱۷ق). ***کامل الزیارات***، تحقیق شیخجواد قیومی، قم: موسسة نشر الفقاهة.

ابن منور، محمد (۱۳۶۶ش). ***اسرار التوحید***، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.

ابوالفرج اصفهانی (۱۴۱۹ق). ***مقاتل الطالبیین***، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

امیری، سیدرزاق، (۱۳۹۱ش). ***پارسه*** (تاریخ فارس، شهرها و روستاهای آن)، شیراز: نوید.

بغدادی، بهاءالدین محمد بن مؤید (۱۳۸۵ش). ***التوسل الی الترسل***، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.

بلوکباشی، علی (۱۳۸۱). ***قالی شویان***، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۱۷ق). ***تاریخ بیهق***، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: فروغی.

بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۸۵ش). ***لباب الانساب***، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (۱۳۷۶ش). ***دایرةالمعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی*** (بناهای آرامگاهی)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.

جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴ش). ***تاریخ یزد***، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.

جعفریان، رسول (۱۳۹۳ش). ***تاریخ تشیّع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی***، تهران: علم.

حاتمی، حسن (۱۳۸۰ش). «بقعه مشهور به امامزاده - کازرون (نمونه‌ای از بناهای ارزشمند تخریب شده در چند دهه اخیر)»، ***فصل‌نامه وقف میراث جاویدان***، ۹(۱و۲)، صص: ۸۵ – ۸۶.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵ش). ***تاریخ نیشابور***، ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.

حسینی، سیدحسن (۱۳۹۷ش). ***اطلس تاریخی سادات ایران*** (سادات اصفهان)، مشهد: بنیاد

پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
حسینی علوی، ابوالمعالی محمد (۱۳۷۶ش). ***بیان الادیان***، تصحیح عباس اقبال و محمدتقی دانش پژوه، بهاهتمام سیدمحمد دبیر سیاقی، تهران: روزنه.
حسینی فسائی، میرزاحسن (۱۳۷۸ش). ***فارسنامه ناصری***، تصحیح دکتر منصور رستگار فسائی، تهران: امیر کبیر.
حسینی مدنی، ضامن بن شدقم (۱۳۷۸ش). ***تحفة الازهار و زلال الانهار***، تحقیق کامل سلمان الجبوری، تهران: آینه میراث.
خواجه نظامالملک طوسی، ابوعلی حسن (۱۳۶۴ش). ***سیرالملوک*** (سیاست‌نامه)، به‌اهتمام هیوبرت دارک، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
رافعی قزوینی، عبدالکریم (۱۴۰۸ق). ***التدوین فی اخبار قزوین***، تصحیح عزیزالله عطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
راوندی، فضلالله (۱۳۳۴ش). ***دیوان اشعار***، تصحیح جلالالدین محدث ارموی، تهران: مطبعة المجلس.
راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴ش). ***راحةالصدور و آیةالسرور***، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیر کبیر.
زرکوب شیرازی، معینالدین احمد (۱۳۵۰ش). ***شیرازنامه***، بهکوشش اسمعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
سعیدیان جزی، مریم (۱۳۹۳ش). «منزلت اجتماعی امامزادگان و آثار و پیامدهای فرهنگی و تمدّنی آن»، ***امامزادگان و حیات فرهنگی، مروری بر نقش فرهنگی امامزادگان***، (مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی امامزادگان)، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم (۱۴۱۸ق). ***الانساب***، تصحیح عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان.
سمعانی، ابی‌سعد عبدالکریم (۱۴۱۸ق). ***التحبیر من معجم الکبیر***، تحشیه خلیل منصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
سوزنی سمرقندی (۱۳۳۸ش). ***دیوان اشعار***، تصحیح ناصرالدین شاهحسینی، تهران: امیر کبیر.
سهمی، حمزه بن یوسف (۱۴۰۷ق). ***تاریخ جرجان***، بیروت: عالم الکتب.
شراهی، اسماعیل (۱۳۹۳ش). «بقاع هفتاد و دو تن ساروق و ارائه شواهدی از معماری دوره سلجوقی در منطقه فراهان استان مرکزی»، ***چونان دری گشوده به بهشت***، بررسی جلوههای معماری آستان مقدس امامزادگان، تهران: مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی امامزادگان، سازمان اوقاف و امور خیریه.
شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۳۵ش). ***الملل و النحل***، ترجمه افضلالدین صدر ترکه اصفهانی، تصحیح سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران: چاپخانه تابان.
شیرازی، جنید (۱۳۲۸ش). ***شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار***، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: نوید.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۵ش). ***الامالی***، تهران: موسّسه البعثه.

فخر رازی، ابوعبدالله محمد (۱۴۰۹ق). ***الشجرة المباركة فی انساب الطالبية***، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳۴ش). ***دیوان اشعار***، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: چاپخانه سپهر.
رازی قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۹۱ش). ***نقض***، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، قم: مجموعه آثار کنگره بزرگداشت عبدالجلیل رازی قزوینی.
قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵ش). ***تاریخ قم***، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم: کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
کمونه حسینی، سیدعبدالرزاق (۱۳۹۲ق). ***منية الراغبين فی طبقات النسابين***، نجف: مطبعة النعمان
ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۲۰ق). ***احكام السلطانية والولايات الدينية***، بیروت: دارالکتاب العربی.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). ***بحار الانوار***، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
مدرسي طباطبائي، سیدحسین (۱۳۵۵ش). ***تربت پاکان***، قم: بینا.
مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۶۳ش). ***تاریخ طبرستان و رویان و مازندران***، به‌اهتمام برنهارد دارن، تهران: گستره.
مروزی ازوارقانی، ابی‌طالب اسماعیل (۱۳۸۵ش). ***الفخری فی انساب الطالبيين***، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی.
مسکویه رازی، احمد بن محمد (۱۳۷۶ش). ***تجارب الامم***، ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس.
مشکوتی، نصرالله (۱۳۴۹ش). ***فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران***، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران،.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۰۹ق). ***المزار***، قم: مدرسه امام مهدی.
مقدسی، ابوعبدالله محمد (۱۳۶۱ش). ***احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم***، ترجمه علی‌نقی منزوی، : تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد، (۱۳۸۴ش)، ***عتبة الكتبة***، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، اساطیر: تهران.
میرحسینی، سیدعلینقی (۱۳۹۵ش). ***ریشه‌های تاریخی حضور سادات و علویان در افغانستان***، قم: دلیل ما.
همایی شیرازی اصفهانی، جلال‌الدین (۱۳۹۰ش). ***تاریخ اصفهان*** (سلسله سادات و مشجرات و مسطحات)، به کوشش ماهدخت همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
یحیایی، علی، (۱۳۹۳ش)، «مقایسه جایگاه مشاهد ائمه و امامزادگان در دوره های آل بویه تا سلجوقیان»، ***چونان دری گشوده به بهشت***، بررسی جلوه‌های معماری آستان مقدس امامزادگان، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی امامزادگان، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ص۳۶۵ – ۳۸۵.
Bernheimer, Teresa (2005). "The Rise of sayyids and sadat: The al Zubara and Other 'Alids in Ninth- to Eleventh-Century Nishapur", Studia Islamica, No 100 - 101, p 49 – 62.